یادداشت کوتاه



محمد بخشی محبی
دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی
رئیس کمیسیون حقوقی- اجتماعی کارگروه سازگاری با کم‌آبی استان

حقوق آب و مردم؛ وقتی آب حق خود را می‌گیرد

نگاهی به حقوق آب به عنوان یک حق عامه، رودخانه‌ها، مسیل‌ها و ضرورت سازگاری با کم‌آبی

مقدمه؛ آب، حق مردم است

آب فقط یک ماده حیاتی نیست؛ بستر حیات است. وقتی از آب سخن می‌گوییم، در واقع درباره مجموعه‌ای از حقوق مردم سخن می‌گوییم: حق برخورداری از آب سالم، حق زندگی در محیط‌زیست سالم، حق امنیت، حق سلامت و حتی حق زندگی در شهری که در برابر حوادث طبیعی تا حد امکان ایمن باشد. اصل ۴۵ قانون اساسی و قانون توزیع عادلانه آب، جایگاه آب‌های عمومی و ضرورت بهره‌برداری از آنها در چارچوب مصالح عمومی را مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین، آب را نباید صرفاً از منظر «مصرف‌کننده» و «تولیدکننده» دید. در کنار حق بهره‌بردار، حق جامعه نیز وجود دارد؛ حقی که باید در تصمیم‌گیری‌های آبی، عمرانی و شهری مورد توجه قرار گیرد. اگر برداشت یک فرد یا یک مجموعه از منابع آب موجب آسیب به آبخوان، کاهش حقابه دیگران یا از بین رفتن امکان استفاده نسل آینده شود، دیگر با یک مسئله صرفاً خصوصی مواجه نیستیم؛ بلکه موضوع به حوزه حقوق عامه وارد می‌شود.

رودخانه یعنی خانه‌رود

یکی از ساده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین اصول در مدیریت آب این است که مسیر طبیعی رودخانه و مسیل باید حفظ شود. ماده یک قانون توزیع عادلانه آب، بستر رودخانه‌ها و مسیل‌ها را تحت مقررات عمومی قرار داده و تصرف در این محدوده‌ها را تابع ضوابط قانونی کرده است. اما فرای این حکم حقوقی، یک واقعیت طبیعی وجود دارد: خشک بودن رودخانه به معنای پایان کار رودخانه نیست. مسیلی که ممکن است سال‌ها خشک باشد، در یک بارندگی شدید می‌تواند دوباره به مسیر عبور آب تبدیل شود.از همین منظر، همواره این باور وجود داشته است که: «رودخانه یعنی خانه‌رود؛ نباید خانه‌رود را تصرف کرد». این جمله شاید در ظاهر ساده باشد، اما پشت آن یک اصل مهم پیشگیرانه قرار دارد: طبیعت مسیر خود را فراموش نمی‌کند.اگر مسیر رودخانه را محدود کنیم، دیوار بسازیم، راه را ببندیم یا حریم آن را نادیده بگیریم، ممکن است برای مدتی تصور کنیم که بر طبیعت غلبه کرده‌ایم؛ اما یک بارش استثنایی می‌تواند همه محاسبات ما را تغییر دهد.به تعبیر دیگر، آب حق خود را می‌گیرد؛ سؤال این است که این حق را با برنامه‌ریزی و قانون به رسمیت بشناسیم یا پس از حادثه و خسارت آن را بپذیریم.

کشف‌رود؛ مسأله ای فراتر از آب

تجربه کشف‌رود مشهد نمونه روشنی از پیوند آب با حقوق مردم است. در سال‌های فعالیت در حوزه حقوق عامه و امور اجتماعی، ساماندهی این محدوده با همکاری دستگاه‌های مختلف دنبال شد. مسئله کشف‌رود صرفاً یک مشکل مربوط به رودخانه نبود؛ آلودگی، فاضلاب، سلامت مردم، فعالیت‌های اقتصادی، تصرف اراضی و آسیب‌های اجتماعی در آن به یکدیگر گره خورده بودند.در چنین شرایطی، برخورد صرفاً قضایی یا صرفاً اجرایی نمی‌تواند مسئله را حل کند.حقوق عامه زمانی معنا پیدا می‌کند که دستگاه‌ها به جای نگاه جزیره‌ای، خود مسئله را ببینند. آزادسازی و ساماندهی بخش‌هایی از این محدوده نیز بیش از آنکه یک اقدام صرفاً عمرانی باشد، تلاشی برای بازگرداندن بخشی از حقوق عمومی به مردم بود.این تجربه موفق یک درس مهم دارد: در بسیاری از مسائل آب، پیشگیری از آسیب به مردم، مهم‌تر از رسیدگی به خسارتی است که قبلاً ایجاد شده است.

در سال‌های منتهی به ۱۳۹۷، در بخش‌هایی از شهر مشهد، آزادسازی و ساماندهی مسیرهای طبیعی آب و مسیل‌ها نیز مورد توجه قرار گرفت و در مواردی در مجاورت مسیرهای ساماندهی‌شده، فضاهای سبز و پارک‌های خطی ایجاد شد. این تجربه نشان داد که حفاظت از مسیر آب الزاماً در مقابل توسعه شهری قرار ندارد. مسیل را می‌توان حفظ کرد، حریم آن را رعایت نمود و در عین حال، آن را به بخشی از فضای عمومی و سبز شهر تبدیل کرد. این همان پیشگیری قبل از حادثه است. گاهی ارزش یک اقدام را نباید با تعداد پرونده‌ها

یا اخبار منتشرشده درباره آن سنجید؛ بلکه باید پرسید چند خطر از سر مردم دور شده است.

چاه غیرمجاز؛ تضییع حق دیگران

موضوع فقط رودخانه و مسیل نیست. آب‌های زیرزمینی نیز متعلق به یک فرد یا یک نسل نیستند.چاه غیرمجاز ممکن است در ظاهر منفعت یک بهره‌بردار را تأمین کند، اما برداشت از یک آبخوان مشترک، می‌تواند بر منابع سایر بهره‌برداران، قنات‌ها، کشاورزی و آینده منطقه اثر بگذارد. قانون برای حفر چاه و بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی بدون رعایت مقررات، محدودیت و ضمانت اجرا تعیین کرده است (قانون توزیع عادلانه آب- ماده ۲، ۱۳۶۱). اما مقابله با چاه غیرمجاز نباید فقط به انسداد یک چاه و تشکیل یک پرونده ختم شود. باید علت شکل‌گیری تخلف را یافت، آیا الگوی کشت با ظرفیت آبی منطقه تناسب دارد؟ آیا نظارت کافی است؟ آیا بهره‌بردار راه قانونی و اقتصادی قابل قبولی پیش روی خود می‌بیند؟ اینجاست که حقوق، پیشگیری اجتماعی و حکمرانی آب به هم پیوند می‌خورند.

دروازه قرآن؛ وقتی مسیر آب فراموش می‌شود

سیلاب پنجم فروردین ۱۳۹۸ در شیراز و حادثه تلخ دروازه قرآن، یکی از روشن‌ترین هشدارهای سال‌های اخیر درباره اهمیت مسیرهای طبیعی آب بود. بدون آنکه بخواهیم یک حادثه پیچیده را به یک علت واحد نسبت دهیم، واقعیت این است که در زمان وقوع سیلاب، ظرفیت مسیر انتقال آب، وضعیت زیرساخت‌ها و نحوه مداخلات انسانی در مسیرهای طبیعی، اهمیت تعیین‌کننده پیدا می‌کند. سیلاب را همیشه نمی‌توان متوقف کرد؛ اما می‌توان میزان خسارت آن را کاهش داد. از منظر حقوق عامه، پرسش اصلی این نیست که آیا می‌توان جلوی باران شدید را گرفت؛ بلکه این است که آیا قبل از بارش، وظایف قانونی خود را برای کاهش خطر انجام داده‌ایم؟ این پرسش باید همواره پیش روی دستگاه‌های متولی شهرسازی، مدیریت آب، راه و شهرسازی، مدیریت بحران و سایر نهادهای مسئول باشد.

سیدی مشهد؛ هشداری برای آینده

سیلاب سیدی مشهد در سال ۱۴۰۳ نیز بار دیگر اهمیت مدیریت روان‌آب‌ها و شناخت مسیرهای طبیعی سیلاب را به جامعه یادآوری کرد. این حادثه پس از پایان دوره مسئولیت نگارنده در حوزه حقوق عامه رخ داده است و طبیعتاً نباید میان آن و تصمیمات دوره مسئولیت گذشته ارتباط مستقیم برقرار کرد. اما ارزش بررسی آن برای بحث حاضر در جای دیگری است: هر شهر باید همواره احتمال رخدادهای فراتر از شرایط معمول را در برنامه‌ریزی خود لحاظ کند. شهر ایمن، شهری نیست که هرگز با سیلاب مواجه نشود؛ شهری است که هنگام مواجهه با سیلاب، کمترین خسارت ممکن را متحمل شود.

نپال؛ طبیعت مرزهای خود را یادآوری می‌کند

سیلاب ویرانگر اخیر در منطقه مرزی نپال و چین نیز، با وجود تفاوت اساسی با حوادث شهری ایران، از همین منظر قابل تأمل است. در سال جاری فروریختن بخشی از یک یخچال و به‌دنبال آن حرکت حجم عظیمی از آب، سنگ و رسوبات، سیلابی بسیار مخرب در منطقه ایجاد کرد. گزارش‌های اخیر از تلفات و مفقودان بسیار زیاد و تخریب گستردهٔ زیر ساخت‌ها حکایت دارد. بدیهی است که نمی‌توان چنین حادثه‌ای را با تصرف یک مسیل شهری مقایسه کرد؛ منشأ آنها متفاوت است. اما پیام مشترک روشن است: انسان نمی‌تواند همه حوادث طبیعی را متوقف کند؛ اما می‌تواند آسیب‌پذیری خود را کاهش دهد. پایش، هشدار سریع، رعایت حریم رودخانه‌ها، مکان‌یابی صحیح ساخت‌وسازها و آمادگی دستگاه‌های مسئول، بخشی از حقوق مردم در برابر مخاطرات طبیعی است.

حقوق مردم؛ حلقه اتصال حقوق آب و جامعه

در نهایت، مسئله آب فقط مسئله وزارت نیرو، شرکت آب منطقه‌ای، شهرداری، محیط‌زیست یا دستگاه قضایی نیست. بلکه آب، مسئله مردم است.اگر آب آلوده شود، سلامت مردم آسیب می‌بیند. اگر آبخوان تخلیه شود، معیشت مردم آسیب می‌بیند. اگر رودخانه و مسیل تصرف شود، امنیت مردم در هنگام سیلاب تهدید می‌شود و اگر منابع امروز بدون توجه به فردا مصرف شود، حقوق نسل آینده تضییع خواهد شد (قانون توزیع عادلانه آب- مواد ۳ و ۴۵، ۱۳۶۱). از این منظر، مفهوم حقوق عامه می‌تواند حلقه اتصال همه این مسائل باشد. نقش دستگاه قضایی نیز در این میان صرفاً برخورد با تخلف پس از وقوع آن نیست؛ بلکه مطالبه اجرای قانون، جلوگیری از تثبیت وضعیت‌های پرخطر و حمایت از اقدامات پیشگیرانه نیز بخشی از صیانت از حقوق مردم است.

سازگاری با کم آبی؛ ضرورت سبک زندگی حال حاضر

امروز بیش از هر زمان دیگری، نیازمند عبور از نگاه سنتی به آب هستیم. سازگاری با کم‌آبی فقط به معنای توصیه مردم به کمتر مصرف کردن نیست؛ بلکه یک مسئله حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی است. باید میان حق شرب، کشاورزی، صنعت، محیط‌زیست و نیازهای نسل آینده تعادل ایجاد کرد. در این میان، کمیسیون حقوقی - اجتماعی کارگروه سازگاری با کم‌آبی، می‌تواند به یک پرسش اساسی بپردازد. چگونه می‌توان قانون، مدیریت و رفتار اجتماعی را در مسیر سازگاری با واقعیت کم‌آبی همسو کرد؟ پاسخ این پرسش بدون مشارکت مردم ممکن نیست. به عبارتی هیچ سیاست آبی، صرفاً با بخشنامه پایدار نمی‌شود. جامعه باید ضرورت آن را درک کند و احساس کند که قانون در نهایت برای حفظ حق خود اوست.

سخن پایانی

حقوق آب، در نهایت، حقوق یک رودخانه یا یک چاه نیست؛ حقوق مردم است. مردم حق دارند آب سالم داشته باشند؛ حق دارند در شهری ایمن زندگی کنند؛ حق دارند از محیط‌زیست سالم برخوردار باشند و حق دارند منابع طبیعی برای نسل‌های آینده نیز باقی بماند. تجربه‌های کشف‌رود، ارداک و ساماندهی برخی مسیل‌های شهری نشان می‌دهد که پیشگیری، همکاری بین دستگاهی و رعایت حقوق طبیعت، می‌تواند از تبدیل یک مسئله به بحران جلوگیری کند. سیلاب دروازه قرآن و سیدی نیز هشدارهایی برای امروز و فردای شهرهای ما هستند. حادثه نپال، در مقیاسی متفاوت، یک بار دیگر به ما یادآوری می‌کند که طبیعت را نمی‌توان حذف کرد؛ باید آن را شناخت و با آن زندگی کرد. همچنان که مطرح شد، با هیچ گونه توجیهی نمی‌توانیم خانه‌رود را تصرف کنیم، همان‌گونه که نمی‌توان حق مردم بر آب را نادیده گرفت. اگر مسیر طبیعی آب را نبینیم، یا در آن تغییری غیر استاندارد ایجاد کنیم، روزی آب مسیر خود را به ما یادآوری خواهد کرد. آب حق خود را می‌گیرد؛ هنر حکمرانی این است که پیش از آنکه آب حق خود را با سیلاب و خسارت مطالبه کند، ما حق آب و حق مردم را به رسمیت بشناسیم.

منابع

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸). اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون توزیع عادلانه آب. (۱۳۶۱). ماده ۱، ماده ۲، ماده ۳ و ماده ۴۵. مصوبات مجلس شورای اسلامی. ایران.